



پیشنهادهایی برای آشنایی بیشتر با صحیفه سجادیه، یکی از زیباترین منابع دعا و مناجات به یاد آرزوهای ریز و درشتی که این شب‌ها به سراغ‌تان می آید

کتاب آرزوهای کوچک

انتخاب و ترجمه: نفیسه مرشدزاده

جمله اول : «پیشب داشتم صحیفه سجادیه می خواندم که تلفن زنگ خورد.»
جمله دوم : «دیشب داشتم رمان می خواندم که تلفن زنگ خورد.»
بین این ۲ جمله کدامش به گوش‌تان آشنا تر است؟ کدام جمله را بیشتر شنیده‌ایم و گفته‌ایم؟ فکر می‌کنید چرا؟
برای این چرا، شاید بشود جواب‌های زیادی ردیف کرد و دست عوامل متعددی را در کار دید. یکی از همین «عوامل» خود ما هستیم؛ خود ما‌یی که کمتر سراغ این کتاب

مناسب برای

دعای اتاق سی‌سی‌یو

مناسب برای : بیمارستان یا اتاق سی‌سی‌یو

گره‌های ناگوار با تو باز می‌شود. شدت سختی‌ها شکسته‌ام. گرفتاری‌ای آمده که تحملش را ندارم. آنچه تو فرستاده‌ای کس دیگری بر نمی‌گرداند. التماس می‌کنند. از قدرت‌ات سختی‌های زندگی حساب می‌برند. به لطفت علت‌ها و اسباب فراهم می‌شوند. با توانایی‌ات سرنوشت جاری می‌شود. با اراده‌ات وسایل آماده می‌شوند.

وقتی که می‌خواهی، بی‌آنکه چیزی بگویی اسباب فرمان می‌برند و وقتی نمی‌خواهی، بی‌آنکه چیزی بگویی اسباب از کار می‌ایستند. وقت دشواری‌ها آنکه صدایش می‌کنند تویی. وقت گرفتاری‌ها آنکه دنبال پناهش می‌گردند تویی.

مناسب برای دعای مهد کودک

چشم و گوش حق

خدایا بچه‌های من عمر طولانی داشته باشند، زیاد زندگی کنند. مریی کوچک‌ترهایشان خودت باش. ضعیف‌ترهایشان را خودت قوی کن. کاری کن بدن و دین و اخلاقتان سلامت باشد. تن و اعضای‌ت‌نشان سلامت باشد.

روزی‌شان را به دست من برسان.

خدایا بچه‌های من از خوبان و پرهیزکاران بشوند. چشم‌حق‌بین و گوش‌حق‌شنو داشته باشنند. گوش به حرف خودت باشند، عاشق دوستانت و دشمن دشمنانت. کاری کن بچه‌هایم قوت بازویم بشوند، کمک‌کار لحظه‌های پریشانی‌ام و مونس تنهایی‌ام. کاری کن آنها چراغ خانه و مهمانی‌هایم بشوند. اسم من به خاطر‌شان زنده بماند و وقتی نیستم کارهایم را سر و سامان بدهند. دوست داشته باشند و وقتی به‌شان نیاز دارم کمکم کنند. در تربیتشان، در ادب‌کردنشان و در خوبی‌کردن به‌شان به من کمک کن.

خدایا من و بچه‌هایم را از شر شیطان دور نگهدار.

الهی امدد لی فی اعمارهم و زد لی فی اجالهم و رب لی صغیر هم و قولی ضعیفهم و اصح لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم و عاقبم فی انفسهم و جوارحهم و ادر لى و على یدى ارزاقهم. و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین مطیعین لک و لاولیاتک محبیین مناصحین و لجمیع اعدائک معاندین و مبغضیین.

اللهم اشدد بهم عضدی و اقم بهم اودی و کثر بهم عددی و زین بهم محضری و احمی بهم ذکری و اکفنی بهم فی غیبتی و اعنی بهم علی حاجتی و اجعلهم لی محبیین.

اعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برهم و اعذنی و ذریتنی من الشیطان الرجیم.

مناسب برای

دعای راننده اتوبوس

آرزوهایم برای تو

چقدر آدم دیده‌ام که خواستند سر بلند شوند، رفتند پیش یکی غیر تو و کوچک و خوار برگشتند. چقدر آدم دیده‌ام که خواستند ثروتمند شوند، رفتند پیش یکی غیر تو و فقیر برگشتند.

چقدر آدم دیده‌ام که خواستند به مقام برسند رفتند پیش یکی غیر تو و پست و زیردست برگشتند. آدم اگر عاقل باشد اینها را که می‌بیند راه خودش را درست می‌کند، از این رفت و آمدها پند می‌گیرد. این درس عبرت‌هسا او را می‌برد به راه راست.

خدایا من از کسی غیر تو خواهش نمی‌کنم. هر

مناسب برای

دعای سوار شدن مترو

معذرت می‌خواهم؛ همین

خدایا معذرت می‌خواهم برای وقت‌هایی که جلوی من به یکی ظلم کردند کمک‌ش نرفتم. معذرت می‌خواهم برای وقت‌هایی که کسی به‌ام لطف کرد درست تشکر نکردم، یکی ازم معذرت‌خواهی کرد من او را نبخشیدم. معذرت می‌خواهم به خاطر آنهایی که کمک می‌خواستند من نتوانستم آنها را به‌خودم ترجیح بدهم.

خدایا مرا ببخش به خاطر وقت‌هایی که باید برای یک‌بنده‌خدایی کاری می‌کردم و نکردم. مرا ببخش به خاطر وقت‌هایی که مسائل خصوصی یک بنده‌خدایی را فهمیدم و سعی نکردم دیگران نفهمند. مرا ببخش به خاطر وقت‌هایی که گناهی‌امد جلویم و من از آن دور نشدم. خدایا از اینها و همه کارهای شبیه‌این که کردم معذرت می‌خواهم؛ عذرخواهی کارهایم را سر و سامان بدهند. دوست داشته باشند و وقتی به‌شان نیاز دارم کمکم کنند. در تربیتشان، در ادب‌کردنشان و در خوبی‌کردن به‌شان به من کمک کن.

الهی اتمی اعدتر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره، و من معرف اسدی الی فلم اشکره، و من مسی اعذتر الی فلم اعذره، و من ذی فاقه سلئنی فلم اوثره.

و من حق ذی حق لزمنی لمومن فلم اوفره، و من عیب مومن ظهر لی فلم استره، و من کل اثم عرض لی فلم اهجره.

اعتذر الیک – یا الهی – منهن و من نظارت‌هن اعتذار نامدهٔ یکسون واعظا لما بین بدی من انشیاههن فصل علی محمد و اله و اجعل اندامتی علی ما وقعت فیه من الزلات و عزمی علی ترک ما یعرض لی من السیئات توبه توجب لی محبتک، یا محب التوابین.

آرزویی دارم می‌آورم پیش خودت. قبل اینکه دیگران را صدا کنم تو را صدا می‌کنم. امیدم فقط به توست، کسی را شریک نمی‌کنم. خواهش‌هایم فقط از توست، کسی را همراهت نمی‌کنم. تو و

کس دیگری را با هم صدا نمی‌زنم. یکی بودن مسال توست و قدرت و بی‌نیازی و توانایی و بالایی. (چرا بروم پیش دیگری؟) دیگران

خودشان در زندگی به مهربانی تو نیاز دارند. رحمت تو نباشد از پس کارهای خودشان بر نمی‌آیند و در

امورات روزمره‌شان هم شکست می‌خورند. دیگران یک روز خوبند، یک روز بد. خلقشان روز به‌روز فرق می‌کند ولی تو بالاتری از این شبیه‌ها و مخالف‌ها،

مناسب برای

دعای آتش نشان‌ها

می‌خواهم دست‌نیافتنی باشم

خدایا به من وظیفه‌ای دادی که خودت آن را بهتر از من انجام می‌دهی. قدرت تو برای این کار و تسلطات برمن بیشتر از قدرت من است. پس خودت کاری‌کن من این وظیفه را جوری انجام بدهم که تو را راضی می‌کند. هم تو راضی باشی، هم من سلامت بمانم. خدایا من طاقت سستی زیاد ندارم. برای بلاهای تلخ خیلی صبور نیستم. خودت به تنهایی آرزوی مرا بر آورده کن و هوای مرا داشته باش. حواست به من باشد. در همه کارهایم هوای مرا داشته باش چون اگر بسیاری دست خودم درم‌انده می‌شوم و همان کاری را نمی‌کنم که مصلحتم باشد. خدایا کاری کن در همه‌احوال‌ات محفوظ و پوشیده باشم. دست‌نیافتنی باشم. در پناه و امان باشم. این کاری که گذاشته‌ای برعهده من که برای بندگانت انجام بدهم، خودت هم کمکم کن در آن موفق بشوم. اگر بدمن‌برای‌این وظیفه ضعیف‌است، اگر به‌اندازه کافی قدرت ندارم، اگر جان و رقم‌به‌این کار نمی‌رسد، تو خودت من را در این کار موفق کن.

اللهم انک کلفتنی من نفسی ما انت الملک به منی و قدر تک علیه و علی اغلب من قدرتی، فاعطنی من نفسی ما یرضیک عنی و خذ لنفسک رضاهما من نفسی فی عافیه.

اللهم لا طاقه لی بالجهد و لا صبر لی علی البلاء، بل تفسر بجاحتی و تسول کفایتی و انظر الی و انظر لی فی جمیع اموری فانک ان وکلنتی الی نفسی عجزت عنها و لم اقم مافیهم مصلحتها.
واجعلنی فی کل حالاتی محفوظا مکلونا مستورا ممنوعا معاذا مجارا. اللهم صل علی محمد و اله و اقض عنی کل ما الی‌متنبه و فرضته علی لک فی وجه من وجوه طاعتک و اخلق من خلقک وان ضعف عن ذلک بدنی و هونت عنه قوتی و لم تنله مقدرتی.



این ترجمه بهترین گزینه برای این است که ببینیم امام چهارم رمان جطور و با چه عبارات شگفت‌انگیزی با خدا نیایش می‌کرده است

ترجمه خوش‌خوان و روان موسوی گرمارودی یکی از بهترین گزینه‌ها

برای خواندن صحیفه سجادیه

در جست و جوی نور

ایثار قنواتی

«بری» مهر جویی را یاد‌تان هست؟ داستان فیلم از جایی شروع می‌شود که پری از داخل اتاق نیمه‌متروک برادر مرده‌اش کتابی به اسم «سلوک» را پیدا کرده. پری کتاب را دست می‌گیرد و بعد با خواندن آن کتاب شروع می‌کند به گفتن ذکر و در به‌در دنبال پیری می‌گردد که حکمت این ذکر را به‌اش یاد بدهد. فیلم، داستان خودش را دارد اما سر و شکل این ترجمه گرمارودی آدم را یاد همان کتاب می‌اندازد؛ کتابی که قرار است به قول پری «نوری، چیزی را با خواندنش» در وجودت زنده کند؛ اتفاقی که می‌شود با خواندن بند بند این دعاها حداقل امیدش را به خودتان بدهید.

گرمارودی کار ترجمه «صحیفه سجادیه» را یکساله تمام کرده بود اما به خاطر حروفچینی عربی و دقت در اعراب‌گذاری آن چاپش دو سالی طول کشیده‌است. اما ابتکار خوشایند گرمارودی در این ترجمه جدید، بند بند کردن دعاهاست. او با شماره گذاری هر کدام از بندهای دعا– اتفاقی که در کتاب‌های قدیمی فقط در دعای جوشن کبیر افتاده– باعث شده این ترجمه «صحیفه سجادیه» به شدت خوش‌خوان شود. البته نمی‌شود از ترجمه روان جناب گرمارودی هم گذشت. خودش می‌گوید: «کار من در این ترجمه همان است که در ترجمه قرآن کریم به کار برده‌ام، یعنی زبان معیار همراه با اندکی باستان‌گرایی تا سایه‌ای از قدمت متن به ترجمه منتقل شود.»

البته روحیه شاعرانگی گرمارودی را هم در ترجمه متفاوت و روان این کتاب نباید دست کم گرفت. ما گرمارودی را قبل از ترجمه‌های قرآن و نهج‌البلاغه‌اش با مجموعه‌های شعرش می‌شناختیم که پرطرفدارترینشان هم «در سایه‌سار نخل ولایت» است. علی موسوی گرمارودی از شاعران قدیمی‌ای است که بیشتر دغدغه شاعرانگی با موضوعات مذهبی دارد.

گرمارودی اولین نفری بود که در اوایل دهه ۵۰ تم شعر مذهبی را از قالب کلاسیک بیرون کشید و وارد قالب نیمایی کرد. او با این کار هم فرصت تصویرسازی و هم استفاده از توصیفات تازه را به شعرهایی با درونمایه مذهبی داد و باعث شد اشعار مذهبی مخاطبان جدیدی پیدا کنند.

حالا گرمارودی با این ترجمه روان و خواندنی‌اش از «صحیفه سجادیه» مخاطبان تازه‌ای برای دعاهای امام سجاد پیدا کرده است.

موسوی گرمارودی شاعر خوبی است و هر وقت هم که به سراغ ترجمه متون دینی رفته ترجمه‌هایش خواندنی از آب درآمده‌است